



من و تو را در يك قبر نمی گذارند!



صفات مومنین (۳)

در **مباحث قبل** حدیثی از **پیامبر اکرم** صلی الله علیه و آله بیان کردیم که در آن حضرت ۱۰۳ صفت برای مؤمن بیان فرمودند، ده صفت بیان شد اکنون شصت دیگر را بیان می کنیم:

« **مذکر الغافل، معلّم الجاهل، لا یؤذی من یؤذیه و لا یخوض فیما لا یعنیه و لا یشمت بمصیبه و لا یذکر احداً بغیبه،...** »

انسان مؤمن کسی است که غافلان را تذکر می دهد و جاهلان را تعلیم می کند کسی که او را اذیت کند آزار نمی دهد و درباره چیزی که به او مربوط نیست دخالت نمی کند، اگر کسی که به او آزار رسانده دچار مصیبت شود او را شتمات نمی کند و غیبت نمی کند. (**یحارالانوار** ، ج ۶۴ ، ص ۳۱۰)

بازدهمین صفت

مؤمن «مذکر الغافل» است یعنی انسان مؤمن کسی است که غافلان را تذکر می دهد. غافل کسی است که می داند ولی حواسش نیست. می داند شراب حرام است ولی حواسش نیست.

دوازدهمین صفت

مؤمن «معلّم الجاهل» است یعنی مؤمن جاهلان را تعلیم می دهد. جاهل کسی است که نمی داند.

فرق بین تنبیه غافل، ارشاد جاهل و امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

این سه واجب نباید با هم اشتباه شود. غافل کسی است که حکم را می داند ولی حواسش نیست. (موضوع را فراموش کرده) مثلاً می داند غیبت است ولی غافل شده و سرگرم غیبت شده است. جاهل هم کسی است که حکم را نمی داند و ما می خواهیم حکم را به او یاد دهیم، مثلاً حرمت زنا را نمی داند. امر به معروف و نهی از منکر هم در جایی است که موضوع و حکم را می داند و نه غافل است و نه جاهل حکم هر يك چیست؟ در مورد غافل که از موضوع غافل است اگر آن موضوع مهم نباشد مثل خوردن نجس واجب نیست به او تذکر بدهیم، جز در موضوعات مهمه مثل ابرو خونی بی گناهی را می ریزد و خیال می کند که گناهکار است. جاهل به احکام را هم باید تعلیم کرد و این امر واجب است.

غیبت کننده اگر توبه نکند اولین کسی است که وارد دوزخ می شود و اگر توبه کرده و پذیرفته شود آخرین کسی است که وارد بهشت می شود

در امر به معروف و نهی از منکر که دانسته و از روی عمد گناه می کند باید او را با زبان خوش امر و نهی کنیم پس هر سه واجب است اما دایره شان متفاوت دارد و این که در بین برخی مرسوم است که می گویند موسی به دین خود، عیسی به دین خود یا من و تو را در يك قبر نمی گذارند، حرف بی اساس است، ما باید یکدیگر را ارشاد کنیم و نباید نسبت به این امر بی تفاوت بود، این فضولی در کار دیگران نیست در روایات وارد شده مثل گناهکار در جامعه مانند مثل کسی است که در کشتی نشسته و مکان خودش را سوراخ می کند وقتی به او اعتراض شود، می گوید جای خود را سوراخ می کند جواب او می گویند: ما سرنوشت مشترک داریم. اگر کشتی سوراخ شود همگی غرق می شویم. مثال دیگر در روایات این است که در بازار اگر مغازه آتش بگیرد وقتی اهل بازار برای خاموش کردن اقدام می کنند، صاحب مغازه نمی تواند بگوید چرا فضولی می کنید مغازه خودم است چون در جو می گویند که ما هم در این بازار مشغول کار هستیم. ممکن است آتش به مغازه ما هم سرایت کند، این دو مثال تعبیر صحیحی از فلسفه امر به معروف و نهی از منکر است و دلیل این که وظیفه عمومی است سرنوشت مشترکی است که همه دارند.

سیزدهمین صفت

مؤمن «لا یؤذی من یؤذیه» است در مفاهیم دینی دو مفهوم جدا از هم داریم:

۱- عدالت: معنایش این است که به اندازه ای که بر شما ظلم کرده به همان مقدار به خودش تلافی کنید.

۲- فضیلت: غیر از عدل و در واقع همان عفو است، یعنی خوبی در مقابل بدی است که از صفات برجسته ای است که حضرت رسول صلی الله علیه

فرمود:

«مومنین؛ به کسی که چیزی را از او دریغ کرده، می‌بخشند و از کسی که به او ظلم کرده در می‌گذرند، کسی که با آنها قطع رابطه کرده به دید می‌روند».

مؤمن کامل سراغ عدالت نمی‌رود بلکه سراغ فضیلت می‌رود.

چهاردهمین صفت

مؤمن «ولا یخوض فیما لا ینعیه» است یعنی مؤمن واقعی کسی است که درباره چیزی که به او مربوط نیست دخالت نمی‌کند، «ما لا ینعیه» یعنی شیء به تو مربوط نیست. یکی از مشکلات مهم دخالت کردن مردم در کارهایی است که مربوط به آنها نیست، در سطح دولت‌ها هم چنین است و به از دولت‌ها در امور دیگران دخالت می‌کنند.

پانزدهمین صفت

مؤمن «ولا یشمت بمصیبه» است، در زندگی روزهای خوب و بد هست، مؤمن کسی را که دچار مصیبت شده شماتت نمی‌کند، نمی‌گوید: دیدی که چه بلایی بر سرت آورد، گفتم چنین و چنان نکن، این گونه با او حرف زدن ناجوانمردی و نمک بر زخم پاشیدن است، اگرچه ممکن است آن مصیبت ن اعمال بدی باشد که او انجام داده ولی نباید او را شماتت کرد، چه بسا فردا مشکل سراغ تو بیاید و همه در زندگی روزهای سخت دارند.

شانزدهمین صفت

مؤمن «ولا یذکر احداً بغیبه» است، در اهمیت غیبت همین بس که شیخ انصاری در کتاب مکاسب می‌فرماید غیبت کننده اگر توبه نکند اولین کسی است که وارد دوزخ می‌شود و اگر توبه کرده و پذیرفته شود آخرین کسی است که وارد بهشت می‌شود. غیبت آبروی مسلمان را می‌برد و آبروی انسان خون او محترم است و گاهی آبرو از خون او هم بالاتر است.

سلسله مباحث اخلاقی آیةالله مکارم شیرازی ، بانندکی تصرف

آخرین نظرات کاربران

آرشیو ویس داد

خوب بود

پنج شنبه ۱۳۸۷/۴/۶-۱۶:۱۶

آدرس این مطلب :

http://tebyan.net/Religion_Thoughts/MuslimEthics/EthicalAdvices/2008/6/25/69021.html

نمایش عکس ها

بستن صفحه

چاپ